

## نقش باستان شناسی عملی در آموزش تاریخ به کودکان

زهرا میراشه ۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹-۱۰-۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۱۱-۰۵

### چکیده

کودکان برای آنکه هویت یابی کنند، باید بدانند از کجا آمده اند، چه گذشته ای دارند و گذشتگان برای آن ها چه میراثی به جا نهاده اند. کودکان تنها به کمک آگاهی از تاریخ خود می توانند مناسبات دنیای کنونی را درک کنند، بدانند که امروز از دیروز شکل گرفته است و از امروز برای ساختن آینده درس بگیرند. با معرفی تاریخ در جایگاه واقعی خود، می توان کودکان را از سنین پیش دبستانی به این مقوله علاقه مند کرد و با تشویق آن ها به خواندن کتاب های تاریخی و مشارکت فعال در یافتن و گرد آوری داده های تاریخی، پیوند آن ها را با گذشته و نسل های پیشین محکم کرد. این پژوهش تلاش دارد با معرفی راهکارهای موفق، به انتقال، یادگیری و جذب هر چه بیشتر مخاطبان کودک به مفاهیم تاریخ یاری رساند. استفاده از راهکارهای جذاب عملی علم باستان شناسی می تواند علاوه بر زنده نگه داشتن میراث فرهنگی، موجب آشنایی کودکان با هویت ملی و قومی و برقراری ارتباط بین مخاطبان کودک و مفاهیم تاریخی گردد.

**واژگان کلیدی:** تاریخ، باستان شناسی، آموزش، کاوش، موزه

### مقدمه

## تاریخ

آموزش، هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی شده ای است که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است و اگر از طریق کنش متقابل (ارتباط مستقیم بین یاددهنده - یادگیرنده) صورت گیرد، می تواند اثرات شناختی، احساسی، فرهنگی و رفتاری مختلفی بر فرد داشته باشد. بر اساس رویکردهای آموزش در تاریخ، می توان گفت که رشته باستان شناسی و ساختار موزه ها واجد خصوصیتی هستند که آن ها را به عنوان عامل شتاب دهنده جامعه و مرکزی برای کشف مسائل اجتماعی برای مخاطبین تبدیل کرده است. بنابراین از این منظر ارتباط هر بخش از میراث فرهنگی (میراث ملموس یا ناملموس) با جامعه و اثرات آن بر اجتماع، سزاوار مطالعه ای مجزاست. اما فرآیند یادگیری در خلأ رخ نمی دهد و عوامل بسیاری از جمله مدیریت محوطه های تاریخی و یا موزه ها، موزه داران، راهنماها، پشتوانه های مالی موزه، محیط و معماری آن، امکانات آموزشی و مسائل فردی و گروهی بازدید کننده، بر رخداد آن تأثیرگذار است. در نتیجه، تأثیر جمله این عوامل در بحث آموزش به کودک در موزه ها افزونتر است.

کشور ایران، موزه های بسیار غنی دارد که بستر مناسبی برای پژوهش در حوزه کودک هستند. اما تاکنون، اکثر پروژه های پژوهشی حول معرفی، طرح موزه کودک در شهرهای مختلف و نوع معماری آن ها تمرکز یافته است و این جایگاه، با آنچه در سایر کشورها، در این حوزه رخ می دهد، فاصله بسیاری دارد. امروزه تمامی برنامه ریزی های اجرایی موزه ها برای گروه سنی کودک، از جمله کیفیت معرفی آثار، برنامه های آموزشی، ارتباط موزه و مدرسه، ارتباط خانواده و موزه و تمهیدات مختلف موزه برای بازدیدکنندگان در این سن، بر رویکردها و مباحث نظری موزه شناسی مبتنی است.

در جهان در حال تغییر و تحول امروز، کودکان بذات، مشتاق اکتشاف و بازآفرینی هستند. کودکان فراگیرانی هستند که از طریق تعامل با اشیای موجود در موزه به ساخت نظام دانشی خود کمک می کنند. عرضه مفاهیم انتزاعی و منطقی از طریق بازی، نمایش، قصه گویی و ... به صورت تعاملی در محیطی متنوع، چند رسانه ای و شوق انگیزی مانند موزه، همه مخاطبان به خصوص قشر سنی کودک را به تفکر خلاق و اندیشه منطقی، آشنایی با هویت ملی و ... و می دارد که از اهداف اصلی پاسداری از میراث فرهنگی هر کشوری توسط نسل نو است.

## روش تحقیق

در این پژوهش از مطالعات کتابخانه ای به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است و نگرشی توصیفی - تحلیلی را دنبال می کند.

## پیشینه تحقیق

اولین باری که باستان‌شناسی در مدارس به صورت آزمایشی مورد استفاده قرار گرفت، در مدرسه دالتون نیویورک بود (اواخر دهه هشتاد میلادی). دانش‌آموزان پایه سوم و ششم مدرسه دالتون شهر نیویورک، همراه با دکتر نیل گلدبرگ که دانشجوی دکتری باستان‌شناسی بود، عهده‌دار انجام پژوهشی در باره یک دوره زمانی خاص شدند. مدیر مدرسه دالتون با هدف برگزاری یک دوره باستان‌شناسی برای دانش‌آموزان سال سوم، نیل گلدبرگ را در مقام معلم پاره وقت به خدمت گرفت. امروزه بسیاری از باستان‌شناسان و موزه‌داران و متخصصین تاریخ هنر به صورت تمام وقت در آموزش و پرورش امریکا، فعالیت‌های مرتبط با زمینه تحصیلی خود را انجام می‌دهند. متأسفانه در ایران، باستان‌شناسی صرفاً در جهت فعالیت‌های وزارت خانه میراث فرهنگی و تعداد کمی از دانشگاه‌ها محدود می‌شود. با توجه به شرایط خاص این رشته، باستان‌شناسان کمی هستند که علاقه مند به در اختیار قرار دادن اطلاعات محوطه‌های کاوش شده، باشند. با این حال جسته و گریخته، فعالیت‌هایی در جهت آشنایی کودکان انجام شده است. در سال‌های اخیر فعالیت‌های کوتاه مدتی در زمینه آشنایی با باستان‌شناسی به وسیله علاقه‌مندان در مناطق مختلف صورت گرفته است. این فعالیت‌ها می‌تواند دانش‌آموزان را در عنفوان تحصیل، درگیر تجربه‌هایی بس با ارزش نماید که از این تجارب برای درک بهتر تاریخ و زندگی بشر در روی زمین بهره‌برند و از طرفی کمک موثری به بهینه‌سازی زندگی آن‌ها باشد. حمیدرضا منصوریان با تجربه چند ساله خود در زمینه آموزش باستان‌شناسی به کودکان و نوجوانان، در چکیده رساله دکتری خود، نتیجه فعالیت چند ساله خود را این‌گونه مطرح می‌نماید:

۱. طراحی متن درس‌های مرتبط با علوم اجتماعی؛ مانند: تاریخ، اجتماعی، جغرافیا، مهارت‌های زندگی و...
۲. طراحی فعالیت‌هایی ویژه مناطق مختلف با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر آن مناطق به لحاظ زیست‌محیطی، قومی، مذهبی و در کل برنامه‌هایی منطبق با استانداردهای آن مناطق خاص.
۳. تهیه وسایل کمک آموزشی نظیر فیلم‌های مستند و سینمایی با موضوع‌های وابسته به آموزش‌های ما، اسلایدها، بروشورها، دفترچه‌های کار دانش‌آموزی، کتابچه‌های راهنما، بازی‌ها و معماهای مرتبط با موضوع.
۴. تشکیل و کمک‌گیری از انجمن‌های حامی میراث فرهنگی و کودکان و نوجوانان؛ جلب حمایت آن‌ها و تامین هزینه برنامه‌های در دست اجرا.

## تاریخ

## ضرورت آموزش تاریخ

تدوین تاریخ، ترسیم سرگذشت حیات و فرهنگ یک قوم و ملت است. در این رهگذر، زمینه‌های پیدایش، بستر حرکت، عوامل و موانع آن، پدیده‌ها و حوادث، علل تعالی یا انحطاط، تأثیر و تأثرها، چگونگی روابط و سایر شئون و مظاهر زندگی، فرهنگ و سرنوشت آن ملت و قوم توسط یک مورخ به تصویر کشیده شده و در معرض اندیشه، کنکاش و مطالعه انسان‌ها و به ویژه فرزندان و اندیشه‌مندان قرار می‌گیرد. این کار از نظر علمی ارزشمند، آگاهی‌بخش و خدمت به علم و فرهنگ و اقوام و ملل به خصوص محققان و دانش‌پژوهان و اصحاب اندیشه و اهل مطالعه است. تاریخ از مجرای ذهن تاریخ‌نویس می‌گذرد و هر قدر هوش و دانش او زیاد باشد، باز تاریخ را از دریچه دوران و شخصیت خویش می‌بیند. بنابر این، تاریخ نگار همواره بینش خاص خود را دارد، لیکن هرگز کل حقیقت را در نمی‌یابد و شیوه وی در دوره بندی تاریخ همواره، دست کم تا اندازه‌ای، فرآورده ذوق ویژه اوست. به این معنا، تاریخ کلاً به همان میزان که علم است، هنر نیز هست. به ویژه وقتی که مورخ از حد گزارش صرف وقایع و داده‌ها بگذرد و به تعبیر آن‌ها بپردازد. (بومر ۱۳۸۲: ۳۰)

گرچه در کتاب‌های تاریخ و اجتماعی دوره دبستان، دانش‌آموزان با برخی تعاریف در زمینه نهاد‌های سیاسی و اجتماعی و حکومت‌های مختلف آشنا می‌شوند، مفهوم تاریخ به عنوان یک علم و اهمیت و جایگاه آن در تعیین سرنوشت انسان، به شرح خسته‌کننده و کسالت‌بار نبردها و فهرستی دراز و بی‌فایده از نام‌ها و مکان‌ها که به زودی در ذهن فرار کودکان، جای خود را به داده‌های دیگری می‌دهند، تقلیل می‌یابد. در این مقطع، می‌توان با گسترش درس تاریخ به مطالب بیرون از کتاب و فعالیت‌های عملی، برگزاری کارگاه‌های مختلف درباره هر درس یا درس‌های مهم با مشارکت خود کودکان، با بهره‌گیری از مجموعه تاریخ ادبیات کودکان ایران و کتاب راهنمای گام به گام با تاریخ آن‌ها را به مقوله علمی تاریخ و خواندن کتاب‌های تاریخی علاقه‌مند کرد. توجه دادن کودکان به وضعیت و جایگاه همسالان خود در طول تاریخ ایران، برای کودکان جالب و ضروری است. در واقع تاریخ، صحنه آزمون و خطا برای دستیابی به عالی‌ترین مراحل فرهنگی است و در هر جامعه، فرهیختگان کسانی هستند که از بار فرهنگی شایسته‌ای برخوردارند.

به گواهی آشنا و بیگانه، ملت ما در میان سایر ملل، جایگاه فرهنگی ویژه ای دارد و بی تردید قدمت تاریخی آن، در بارور شدن فرهنگ کنونی ملت ما نقش غیر قابل انکاری به عهده داشته است. علاقمندان به فرهنگ، با توجه به آنچه در طول تاریخ دیرپایشان گذشته، از تیزبینی، دقت نظر، روشن اندیشی، واقع نگری و عاقبت اندیشی ویژه ای برخوردارند؛ حتی مردم عامی از شعوری تجربی بهره مندند که تدریس تاریخ در کشورهای پیشرفته و تعدادی از کشورهای در حال توسعه، پا به پای روش های تدریس درس های دیگر، برمبنای روش فعال و مشارکتی استوار است و اساساً این روش بر دانش آموز و تعمق او در آموخته های خود بنا شده است و آموزش را از مرحله طرح مطلب و ارائه دانش، تا مرحله فهمیدن از طریق تعمیق پیش می برد. این فرایند به گونه ای هدایت می شود که دانش آموز بتواند، در یک سوی دو قطب سیال، مفاهیم را از طریق مطالعه، تبادل نظر و مشارکت در بحث و استدلال دریابد.

روش های فعال و مشارکتی در آموزش تاریخ به شرح زیرند: ایفای نقش، اکتشافی، حل مسئله در تاریخ، تبیین ارزش ها، استفاده از کارت های آموزش (آرام ۱۳۷۹: ۳۸) کتب درسی منابع اصلی دانش آموزان هستند. ولی از آنجا که مورخان نظرات متفاوتی دارند این کتاب ها معمولاً تفسیر شخصی از رویدادها هستند. دبیران تاریخ قطعاً از حافظه گرایی و تاکید بر محفوظات و یک سلسله وقایع نگاری مربوط به شاهان و امثال آن دوری می گزینند. همچنین دبیر تاریخ به کمک روش های فعال تدریس می تواند، ضمن ارائه تحقیق و ارتباط با موضوع درسی، دانش آموز را با جامعه خود پیوند دهند و از این طریق حساسیت مسئولین کشور را در خصوص تاریخ و حفظ میراث فرهنگی برانگیزد (صرامی ۱۳۸۲: ۳).

### باستان شناسی کاربردی در آموزش کودکان

باستان شناسی امروز، با نگاه استدلالی-ادراکی خود، پازلی مادی از زندگی مردمان در گذشته و حال و تاثیر آن در دنیای معاصر می سازد که منجر به ایجاد رهیافتی نو در عرصه تعالی فرهنگ و اندیشه می گردد. به طور خاص، باستان شناسی با نقبی بر فرهنگ و روش زندگی مردمان اطلاعاتی را برای بهبود شرایط زندگی در عصر حاضر به ارمغان آورده است. فعالیت های بی شماری در این زمینه صورت پذیرفته و پنجره های جدیدی را بر روی مدارک و اسناد و تحلیل آن ها گشوده، و در این زمینه راهکارهای بدیعی ارائه داده است. اینک زمان آن است که با طراحی جامعه نوین در دانش باستان شناسی از مطالعات و تحلیل ها برای رشد و تعالی فرهنگ باستان شناختی استفاده کنیم. امروز روز نیاز به چنین پروسه ای برای ساختن آینده ای پربار به شدت دیده می شود. باستان شناسی امروز باید علاوه بر آسیب شناسی ریشه ای

## تاریخ

مسائل باستان شناختی به عمومی کردن باستان شناسی در بین توده مردم با رویکردی آموزشی- فرهنگی بپردازد. این عمومی کردن را باید از بین دانش آموزان و البته کودکان شروع کرد. آن هم کودکان و نوجوانان ۱۰ الی ۱۵ سال که به نظر بسیاری از متخصصین مسائل تربیتی دوران شکل گیری هویت فردی و شخصیت فرهنگی در انسان است. در این سنین کودکان بسیار موشکافانه به مسائل و اتفاقات مربوط به خود می نگرند و برای رسیدن به نتیجه، پرسش های کنجکاوانه و خلاقه ای را مطرح می کنند.

در جهان معاصر، یکی از اهداف باستان شناسی علاوه بر نگاه موشکافانه به زندگی انسان از دریچه ماده فرهنگی، گشودن پنجره های توسعه این زمینه نیز است. با توجه به گزینش این موضوع که به نظر نگارنده مهمترین گزینه باستان شناختی این روزگار باید باشد. یکی از پررنگ ترین راهکارهای باستان شناس معاصر سرمایه گذاری روی فرهنگ یک ملت است. فرهنگی که از توده مردم نشأت می گیرد و پایه های فرهنگی این مملکت در دستان کودکان و نوجوانانی است که ستون های فرهنگی این مرز و بوم را مستحکم می کنند. از این رو باستان شناس معاصر به تمرکز بر روی نقطه نظر کودکان و نوجوانان در سنین ۱۰ الی ۱۵ سال می پردازد که حتی با مطرح کردن پیچیده ترین تعاریف باستان شناختی به زبان کودکان و نوجوانان، می تواند به ساخته شدن هویت فردی و انسانی آن ها و در نتیجه ساختن آینده ای پربارتر کمک کند. تعاریف و مسائل باستان شناختی با فضای وهم آلود و داستان گونه اش می تواند برای آن ها یادآور برنامه آموزنده - سرگرم کننده ای باشد که حس کنجکاوی و آزمودن را در آن ها بیدار می کند. آنجاست که کودکان بعد از برخورد با مسائل مختلف در زندگی شخصی خود با استدلال های موشکافانه با مسائل روبه رو خواهند شد و روشی برای حل آن ها خواهند یافت. برای حل مسئله سوال هایی مطرح و به جهت حل آن تحقیقاتی را انجام می دهند. تا جایی که با استدلال های متنوعی به پاسخ های متفاوتشان پر و بال می دهند. عدم آگاهی محسوس اکثر افراد جامعه نسبت به آثار باستانی، عدم توجه جدی نسبت به سرنوشتی که در انتظار این آثار است و سایر موارد، نشانگر بی اطلاعی و عدم شناخت و درک کافی عامه مردم از میراث فرهنگی است. برای جبران این نقیصه باید به دنبال راه حل و روش های اصولی و منطقی بود. یکی از راه های بالا بردن آگاهی مردم، استفاده از ابزارهای آموزشی موجود است (اولسون ۱۳۷۷: ۱۱).

آموزش ارزش منابع باستان‌شناختی، یک جریان عمده در سیاست مدیریت منابع فرهنگی است و بهترین روش برای تشویق و ترغیب عموم مردم جامعه به منظور آشنایی هر چه بیشتر و بهتر آن‌ها با آثار باستانی، پشتیبانی از برنامه‌های آموزشی است (Ston ۱۹۹۴). مطالعه بر روی تجربیات استفاده از وسایل آموزشی نشان داده است که اگر آن‌ها به نحو مناسب، مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند به امر آموزش کمک شایان توجهی بنمایند (ذوفن ۱۳۷۹: ۱۷). ضعف ناشی از بی‌اطلاعی عموم مردم نسبت به باستان‌شناسی متوجه جامعه باستان‌شناسی کشور است برای جبران این کمبودها، باستان‌شناسان وظیفه مهم و پیچیده‌ای بر عهده دارند (میراشه ۱۳۸۲: ۳۱۰).

باستان‌شناسی معاصر سعی دارد با تمرکز زدایی مسائل باستان‌شناختی برای خود باستان‌شناسان، آن‌ها را برای مردم و گروه غیر متخصص نیز تعریف کند؛ چیزی که در دنیای رو به رکود باستان‌شناسی سنتی بیش از پیش حس می‌شود.

باستان‌شناسی در ایران هنوز هم معطوف است به مسائل زندگی گذشتگان و کشف آثار قدما و نشر گزارش‌های باستان‌شناختی از سایت‌های باستانی. در این میان رویکردهای نوین باستان‌شناسی خصوصاً از دهه ۸۰ میلادی به بعد مانند باستان‌شناسی اجتماعی و باستان‌شناسی برای مردم وظیفه‌سنگینی را متحمل می‌شود. بین باستان‌شناسی و سیستم آموزش و پرورش ارتباط وجود دارد. باستان‌شناسان و مربیان می‌توانند از جنبه‌های بسیاری از باستان‌شناسی برای کمک به آموزش کودکان در مورد علم و تاریخ به روش‌های چند رشته استفاده کنند. با این حال باستان‌شناسی در برنامه درسی گنجانده نشده است.

با تلاش جهت گنجاندن باستان‌شناسی در کلاس به وسیله مربیان و ادامه آن در کار عملی باستان‌شناسان کودکان با نحوه عملکرد آن‌ها آگاه‌تر می‌شوند. آموزش کودکان در مورد باستان‌شناسی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا درک بیشتری از باستان‌شناسی داشته است. باستان‌شناسان فرصتی برای دسترسی به گذشته‌ها و تاریخچه محلی خود در اختیار مردم قرار می‌دهند. سیستم‌های آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها، حتی کشورهای پیشرفته جهان، برای اهداف این بحث، غالباً با عدم ورود باستان‌شناسی در برنامه‌های ملی، از این شانس غفلت می‌کنند.

## تاریخ

علاوه بر آموزش و پرورش باستان شناسان هم به همان اندازه مقصر این عدم انتقال هستند. اغلب اوقات تصور می شود که سیستم آموزش و پرورش می داند چه چیزی برای آموزش کودکان بهتر است؛ در نتیجه، ممکن است که فراموش کنند که عمیق تر به این مسئله نگاه کنند.

در برنامه درس ملی آموزش و پرورش امروز، موضوعاتی مانند تاریخ و علوم بدون ارائه برنامه های عملی و کاربردی، آموزش داده می شود این در حالی است که این درسها می توانند با رویکرد باستان شناسی، مردم شناسی و یا زمینه های مرتبط دیگر ارائه گردند. برای رسیدن به این هدف باید ارتباط مستقیم بین باستان شناسان و مربیان وجود داشته باشد. مربی ها باید ارزش ها و مفاهیم باستان شناسی را در شناخته و درک کنند و باستان شناسان وظیفه و مسئولیت مربیان را متوجه باشند. توانایی تفکر فراتر از تعالیم متعارف چیزی است که باستان شناسی و علوم مرتبط می توانند ارائه کنند (Erickson ۲۰۱۱: ۴۶).

با توجه به این که روزانه و لحظه به لحظه، اکتشافات زیادی در سطح جهان در حوزه دیرینه شناسی صورت می گیرد. اگر عموم مردم نسبت به آن چه در این حوزه، در جریان است، غافل و بی اطلاع و یا بی علاقه باشند، پس این فعالیت ها چه نتیجه ای خواهد داشت؟ بسیاری از موزه ها و محوطه های تاریخی سعی در شناسایی و آشنایی عموم دارند (Grima ۲۰۰۲: ۸۴). ولی مسئله مهم این است که مردم اطلاعات بسیار کمی از باستان شناسی دارند و دلیل آن این واقعیت است که باستان شناسی بخشی از برنامه درسی نیست.

یکی از اشکالات و ایرادهای جدی این است که باستان شناسان این دانش را بسیار تخصصی و حرفه ای کار می کنند (Clarke ۱۹۸۶: ۹) مثلا متخصصان دوره نوسنگی و یا دوره ساسانی. و این موجب می شود که مردم عادی این تحقیق را دانسته و از آن ها استفاده کنند. در این شرایط متخصصان باستان شناسی باید علایق و اولویت های حرفه ای خود را کنار بگذارند و مسائل مورد علاقه عموم و یا مخاطبین مورد نظر خود را مطرح و معرفی کنند.

راهکارهای تدریس باستان شناسی - تاریخ



باستان‌شناسی نه تنها در کنار تاریخ می‌تواند به درک مفاهیم این دانش کمک کند بلکه فراگیران از راه‌های مختلفی مانند شناخت ساختمان‌های تاریخی، اشیاء قدیمی، نقشه‌ها و اسناد تاریخی و حتی مطالعات مناظر تاریخی به ماهیت شواهد پیرامون خود و توانایی ارزیابی برای فرضیه‌سازی و مهارت‌های متفاوت برسند.

کودکان در مدرسه ابتدایی در مهمترین مرحله آموزشی زندگی خود هستند. بسیاری از کودکان، اصول اولیه دانش و شناخت نسبی خود از جهان را در این زمان به دست می‌آورند. بسیاری از باستان‌شناسان اعتراف می‌کنند که از سنین جوانی علاقه‌مند به باستان‌شناسی شده‌اند. آموزش باستان‌شناسی به این معنا نیست که نسل آینده را به این علم سوق دهیم؛ بلکه با کمک علم باستان‌شناسی، کودکان با ابزارهای تحقیق و تفسیر و کار منظم آشنا می‌گردند (Corbishley, 1999: 74-75).

باستان‌شناسان به تنهایی قادر نیستند در آموزش عمومی شرکت کنند؛ چون با توجه به بودجه و زمان بسیار زیادی که عملاً باید در پروژه‌های علمی و عملیات نجات بخشی صرف کنند، با شناخت بیشتر همگانی، بخشی از آسیب‌هایی که در زیر مجموعه واندالیسم (مخربین آثار تاریخی) قرار می‌گیرد، کاسته می‌شود. با قرار دادن بخش اندکی از بودجه برای برنامه‌های چند ساعته می‌تواند شناخت اندکی برای دانش‌آموزان محدوده عملیات کاوش فراهم کنند. و از این راه، از صرف بودجه‌های کلان در زمینه ترمیم آثار بکاهند.

از سوی دیگر، ایجاد اشتیاق، اولین و مهمترین شیوه برای آوردن نشاط به هر کلاس درس است. حتی اشتیاق معلم یا مربی برای موضوع درس و آموزش آن کلید موفقیت است. آموزش غیرمستقیم باستان‌شناسی برای کودکان با اهداف متفاوت و به منظور کمک به دانش‌آموزان در ارتباط با نحوه زندگی مردم در گذشته طراحی می‌شود که در اینجا می‌توان به بعضی از این اهداف اشاره کرد:

۱. علاقه‌مند نمودن کودکان به حفظ و پاس‌داشت میراث فرهنگی
۲. آشنایی با انسان‌شناسی و تاریخ ایران
۳. تأکید بر آگاهی ملی و هویت ملی - مذهبی کودکان
۴. تقویت توانایی ادراکی - استدلالی در کودکان

## تاریخ

۵. تقویت توانایی مدیریت هوشمند
۶. تقویت فعالیت های گروهی و دسته جمعی
۷. تقویت مهارت روابط عمومی و تعامل مثبت در کودکان

با توجه به گستره وسیع باستان شناسی که تمامی مسائل انسانی و محیطی را در بر می گیرد، می توان سرفصل های متفاوت و متنوعی برای کارگاه های آموزش باستان شناسی کودکان در نظر گرفت. تعدادی از این کارگاه ها در ادامه پیشنهاد می شود:

۱. آشنایی با زندگی غار نشینی و انسان های نخستین
۲. چگونگی شکل گیری محوطه های تاریخی و باستانی
۳. آشنایی با جشن های ملی و مذهبی
۴. آشنایی با نحوه پذیرایی از میهمانان نوروزی و فعالیت های مرتبط با مراسم نوروز
۵. آشنایی با پادشاهان ایران (کوروش، داریوش، انوشیروان، شاپور، محمود غزنوی، شاه عباس کبیر، نادر شاه، کریم خان زند)
۶. آشنایی با نحوه ساخت و استفاده از ماسک های باستانی
۷. آشنایی و آموزش چگونگی اختراع خط، انواع خط
۸. آشنایی با ابزارهای سنگی
۹. آموزش سفالگری کاربردی
۱۰. آشنایی با کارگاه های کاربردی کاوش در آب و خاک

**نقش موزه ها در آموزش تاریخ**

استفاده از موزه‌ها، راهکاری جذاب و نسبتاً نوین و کم‌هزینه برای آموزش کودکان و نوجوانان است (درخشان؛ منصوریان ۱۳۹۶). زنده نگه داشتن میراث فرهنگی، آشنایی کودکان با هویت ملی و قومی و برقراری ارتباط بین مخاطبان کودک و مفاهیم باستان‌شناسی است. نتایج حاصل از بررسی موارد انجام شده نشان می‌دهد موزه‌های باستان‌شناسی که در جهت آموزش کودکان گام بر می‌دارند، بنیادهای فرهنگی و اجتماعی مهمی برای یادگیری و انتقال مفاهیم باستان‌شناسی به کودکان به شمار می‌روند.

تجربیات به دست آمده توسط آموزش بر مبنای بازی‌ها، داستان‌ها، رابطه‌ی تعاملی با اشیاء و تجربه‌ی حفاری، تأثیر به‌سزایی در روند یادگیری و انتقال این مفاهیم به کودکان در موزه‌های باستان‌شناسی دارند. در نتیجه، موزه‌ها می‌توانند در ترویج دانش فردی، پوییش و اکتشاف، نقش مهمی ایفا نمایند. براساس تعریف شورای بین‌المللی موزه‌ها، آموزش یکی از رسالت‌های اصلی موزه به شمار می‌رود (منصورزاده؛ حاتمی ۱۳۹۶). از این رو موزه‌ها، به عنوان بنیاد‌های اجتماعی و آموزش محور، می‌توانند به آموزش و بازیابی عناصر هویت تاریخی و اجتماعی افراد جامعه خود یاری نمایند. در این میان موزه‌های باستان‌شناسی نقش به‌سزایی در معرفی و شناخت این عناصر دارند.

در موزه‌های جوامع مدرن روش‌های نوین و متنوع یادگیری تعاملی برای آموزش مفاهیم مربوط به باستان‌شناسی به کودکان به خدمت گرفته می‌شود. گرچه گزارشات متعددی بر کارآمد بودن این شیوه‌های آموزشی صحه می‌گذارند، دامنه‌ی استفاده از روش‌های مشابه برای آموزش کودکان در تعداد زیادی از موزه‌های ایران چشم‌گیر نیست.

توجه به میراث فرهنگی، زنده نگه‌داشتن موارث فرهنگی، فراهم آوردن بیشترین امکانات برای ابداع و نوآوری فکری و هنری به معنای ارزیابی مجدد این میراث، با معیاری تازه، از اصول سیاست فرهنگی هر کشوری است. بدین سان ضرورت توجه به میراث فرهنگی و پیدایش جبری نیازها و عوامل اجتماعی جدید و یا به بیان دیگر صنعتی شدن کشور از راه آشنایی با تمدن و بکارگیری فناوری است. پس ایجاد تحرک در فرهنگ ملی و دادن جلوه‌های تازه به فرهنگ باستانی امری ضروری است. از این رو، استفاده از موزه‌های باستان‌شناسی می‌تواند راه کارهای مناسبی برای تأمین این هدف باشد. چرا که در سراسر جهان، موزه‌ها به مخاطبان خود توجه خاصی می‌کنند و این کار را با طراحی فضا و اجرای نمایش و برنامه‌ها انجام می‌دهند. تا زمینه تشویق و علاقه‌مندی بیشتر بازدیدکننده را فراهم آورند. بنابراین از طرح‌هایی استفاده می‌کنند که مخاطب محور هستند.

## تاریخ

اصل تمرکز بیشتر پژوهشگران بر جنبه آموزشی موزه هاست؛ چراکه در قرن اخیر موزه ها همچون دیگر مراکز اجتماعی، مانند مدارس به عنوان یک مرکز آموزشی مطرح شده اند. بر اساس تعریف شورای بین المللی موزه ها، آموزش یکی از اهداف اصلی موزه ها به شمار می رود.

همان طور که در بالا عنوان شد، بحثی که در این پژوهش مطرح شده، تمرکز بر انتقال مفاهیم باستان شناسی به کودکان در محیط موزه است؛ چراکه یکی از علومی که با موزه ها رابطه تنگاتنگی دارد، علم باستان شناسی است.

باستان شناسی، مطالعه گذشته با استفاده از مدارک مادی است و دارای مفاهیم پیچیده و تخصصی بسیاری است که انتقال این مفاهیم به کودکان، کار را برای موزه داران و راهنمایان موزه مشکل کرده است. تمرکز این پژوهش بر ارائه راهکارهایی برای آموزش مفاهیم باستان شناسی به کودکان ۵ تا ۱۴ سال است چرا که سلامتی، محیط و آینده کودکان به عنوان با ارزش ترین منابع ما، باید بها داده شود.

کودکان عامل پیوند نسل های گذشته و آینده در هر جامعه ای هستند. اصلاح محیط اجتماعی در هر جامعه، از طریق کودکان امکان پذیر است. توجه به ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری او که در دوران کودکی به آن نیاز دارد، زمینه رشد درست شخصیت و تربیتی او را به عنوان نسل سالم فردا فراهم می آورد. در این میان، موزه ها مکان هایی هستند که به طور ذاتی، انگیزه های درونی ارتباطات مستمر را ترویج می کنند؛ بنابراین در این طرح، گزارش هایی در خصوص مطالعه کودکان و ماهیت یادگیری آن ها از طریق تجربیاتی که در موزه های باستان شناسی به دست می آورند، ارائه می شود. این موزه ها می توانند با هدف فراهم آوردن امکان تجربه های نو برای کودکان، به رشد و خلاقیت آن ها کمک کنند.

تمرکز اصلی موزه ها بر این است که کودکان از طریق بازیچه ها و ابزارهای ساده بتوانند پدیده های فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بصری را تجربه کنند. همچنین سعی شده که با استفاده از راهکارهای نوین، انتقال مفاهیم باستان شناسی را توسط نقش آموزشی موزه ها برای مخاطبان (کودکان) آسان کنیم.

سخن آخر

از مهم‌ترین اهداف درس تاریخ این است که دانش‌آموزان دریابند، دنیای پیرامون آن‌ها همیشه از ابتدا به این صورت نبوده است؛ بلکه جنبه‌های متفاوت آن در گذر زمان، تغییر کرده تا به صورت کنونی درآمده است؛ از نوع حکومت و شیوه جنگ گرفته، تا خانه‌های مردم، پوشاک، وسایل حمل و نقل از این موارد است. با استفاده از انواع تصویرهای آثار باستانی، از ظرف‌ها، ساختمان‌ها، پوشاک، سلاح‌ها و صحنه‌های مربوط به زندگی اجتماعی که در کتاب‌های مصور و سفرنامه‌ها فراوانند، می‌توان بتدریج ذهن دانش‌آموزان را به درک این مفاهیم هدایت کرد.

آثار باقی مانده از گذشته، نمایانگر میزان پیشرفت، نحوه شکل‌گیری جوامع مختلف و مشخص‌کننده تحولات تمدنی و فرهنگی عظیم بشریت هستند (Malone ۲۰۰۰). علاقه به جمع‌آوری آثار عتیقه و ایجاد مجموعه‌های شخصی بیانگر میزان تعلق خاطر انسان به گذشته بوده و کنکاش به منظور دریافت هویت نهفته در آثار باستانی، بازگوکننده میزان علاقه انسان نسبت به نسل‌های پیشین است. باستان‌شناسی به عنوان رشته‌ای نوظهور، که به صورت یک علم، زمان‌چندانی بر آن نگذشته است، در زمره علوم است که قادر به شناسایی تمدن‌های گذشته است.

البته تنها کشور ما نیست که از این جهات آسیب دیده؛ بلکه اکثر کشورها حتی کشورهای پیشرفته که مهد باستان‌شناسی بوده‌اند نیز با مسائل و مشکلات زیادی مواجه هستند؛ اما آن‌ها با ایجاد سیستم‌های جدید و کارآمد، این نقایص را جبران کرده‌اند.

امروزه پیشرفت‌های بسیاری در سطح جهان در زمینه‌های مختلف روی داده که می‌توان از آن‌ها برای کاستن از آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی استفاده کرد. برای این که کلاسی خلاق و پویا داشته باشیم علاوه بر این که معلم تاریخ سعی می‌کند کارش را با جدیت و علاقه انجام دهد، جهت بالا بردن بازدهی کلاس، توجه به ابزارهایی چون تهیه و نمایش فیلم و بازدیدهای علمی می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ زیرا می‌توان گفت، کتاب تنها بسته‌ای از اوراق صحافی شده است، در حالی که آثار باستانی اسناد اصیلی هستند که در نقاط مختلف کشور به راحتی قابل بازدید است. اگر بازدید از موزه‌های باستان‌شناسی و محوطه‌های تاریخی و میراث فرهنگی معماری در برنامه‌های تاریخ قرار گیرد، بسیار تأثیرگذار، آموزنده و کاربردی خواهد بود.

## تاریخ

یکی از دلایلی که باستان شناسی در سطح جامعه به طور کلی شناخته شده نیست، بی اطلاعی عموم مردم نسبت به این رشته و میراث فرهنگی است که بخش از آن متوجه جامعه باستان شناسی کشور است. تجربه در کشورهایی که به حفظ، نگهداری، آموزش میراث فرهنگی اهمیت می دهند، نشان داده که شناخت کافی عامه مردم نسبت به آنچه که امروزه میراث فرهنگی خوانده می شود (اشیا و آثار معماری تاریخی، چشم اندازهای باستانی، محیط زیست)، باستان شناسان و تمامی کسانی را که در امر شناسایی، حفظ و نگهداری این آثار تلاش می نمایند، یاری می کند؛ تا کمبودهایی را که در این عرصه وجود دارد، رفع نمایند. در این راستا، باستان شناسان، وظیفه مهم و پیچیده ای بر عهده دارند، و این وظیفه همانا، پیدا کردن راه ها و روش های اصولی و منطقی برای رفع این نقیصه است.

یکی از وظایف باستان شناسان، انتشار گزارش عملکردهای مربوط به فصول حفاری است. سرازیر نمودن اطلاعات در سطح جامعه، با رسانه های در دسترس، هم می تواند سطح آگاهی سایر متخصصین فن را بالا ببرد و هم میزان اطلاعات عامه مردم را به آن درجه برساند که ارزشی بالاتر از ارزش مادی برای این میراث به یادگار مانده از گذشته، قائل شوند. شاید بدین وسیله این آثار، کمتر مورد تهاجم عده ای بی اطلاع و سودجود واقع می شوند.

واقعیت این است که باستان شناسی یکی از معدود رشته هایی است که تلفیقی از علوم انسانی و علوم طبیعی است و از آن دسته علمی است که وابستگی زیادی به دانش علوم طبیعی دارد. باستان شناس به دلیل لزوم دقت بالا در حین عملیات کاوش و سایر کارهای باستان شناسی، نیازمند مهارت هایی مانند تجزیه و تحلیل، محاسبات و... است. این ها، مهارت هایی است که مربیان می خواهند به کودکان آموزش دهند. هنگامی که بچه ها از سن ۶ یا ۷ سالگی عبور می کنند، می توانند مهارت های زیادی را از طریق باستان شناسی یاد بگیرند.

از سوی دیگر، با این نوع آموزش ها کودکان می توانند نسبت به محوطه های باستان شناسی شناخت خوبی به دست آورند. یک سایت باستان شناسی، جایی است که بقایای فیزیکی فعالیت های انسانی گذشته وجود دارد. محوطه های باستان شناسی شامل روستاهای دائمی و یا محوطه های عشایری، سنگ های معدنی که از آن مواد خام برداشت شده، کنده کاری های سنگی و گورستان ها، اردوگاه های موقت هستند. یک سایت می تواند به اندازه یک تراشه ابزارسنگی که توسط یک

شکارچی پیش از تاریخ باقیمانده و یا به عنوان یک سنگ بزرگ و پیچیده به عنوان محل سکونت‌های ماقبل تاریخ و یا تخت جمشید در ایران باشد. سایت‌های باستان‌شناسی تاریخی را می‌توان در مناطقی یافت که امروز هم شهرهای آباد و بزرگی هستند و یا در اعماق دریاها، میدان‌های جنگ، گورستان، کارخانه و ...

به علاوه، موارد زیادی وجود دارد که می‌توانیم در حین آموزش باستان‌شناسی برای بالا بردن دانش کودکان به آن‌ها توجه کنیم که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. چگونگی مردم بر محیط زیست باستان تاثیر گذاشتند.
  ۲. سرعت تغییرات فجایع آب و هوایی و فرسایش زیست محیطی در دوران باستان و به کارگیری نتایج آن در دوران معاصر.
  ۳. هیچ رشته علمی به اندازه باستان‌شناسی، چشم انداز دراز مدت از زندگی انسان ارائه نمی‌دهد؛ مواردی مانند فروپاشی جوامع، تغییرات فن آوری، سازماندهی اقتصادی و غیره.
  ۴. مشاهده زمینه‌های فرهنگی و طبیعی که منجر به خصومت‌های گروهی یا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شده است و بهره‌برداری از آن در اتحاد ملی.
  ۵. انسان‌ها به عنوان یک موجودیت بیولوژیک و اجتماعی، از ۱۰۰۰۰ سال قبل همچنان نیازهای مشابهی دارند.
- باستان‌شناسی برای شناسایی پیشرفت‌های علوم و فنون فیزیکی در شرایط اجتماعی و سیاسی متفاوت، ضروری است.
- باستان‌شناسان از طریق جمع‌آوری داده‌ها از محوطه‌های باستانی می‌توانند محیط‌های غیرقابل پیش‌بینی و سخت را برای زندگی و زنده ماندن معرفی کنند.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، معرفی روش‌های مختلف آشنایی با میراث فرهنگی و هویت تاریخی به کودکان و آشنایی متولیان امر آموزش با روش‌های مختلف نوین آموزشی در قالب رشته‌های مرتبط با میراث فرهنگی - باستان‌شناسی و تاریخ- است. این پژوهش ابتدا به اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ و کاربرد باستان‌شناسی برای درک موثرتر زندگی انسان در گذشته پرداخته سپس به راهکارهای تدریس باستان‌شناسی و تاریخ به کودکان اشاره کرده است. مهمترین راهکارهایی که در این تحقیق بدان‌ها اشاره شده عبارتند از:

## تاریخ

الف- کاربرد موزه ها: کودکان از سنین پایین با روش های مختلف مثل موزه های تاریخ تمدن، تاریخ علم، و موزه های باز با گذشته انسان و تمدن و فرهنگ های ملی و جهانی آشنا می شوند.

ب- باستان شناسی عملی: کودکان در سنین ابتدایی در محوطه های مصنوعی که بصورت امن آماده می شوند، با نوع فعالیت باستان شناسان آشنا می شوند. در خلال این آشنایی با نوع اشیایی که در زیر خاک وجود دارد مواجه خواهند شد؛ و درک مناسبی از گنجینه های فرهنگی که در زیر خاک قرار دارند که شامل ابزارها، معماری، ظروف و زینت آلات و سایر مواد فرهنگی مرتبط با زندگی اجداد ما بوده، پیدا می کنند. در پایان می توان نتیجه گرفت با این نوع آموزش غیر مستقیم کودکان به مواردی مانند آشنایی با فرهنگ های گذشته، افتخارات ملی و میهنی، ارزش گذاری برای میراث تاریخی- فرهنگی مواجه می شوند. امید است در آینده نزدیک وزارتخانه آموزش و پرورش اهمیت این موضوع را درک و همگام با سازمان های میراث فرهنگی در همه نقاط ایران اردوهای آموزشی در زمینه میراث فرهنگی را برپا نماید.

## منابع و مآخذ

۱. آرام، محمد باقر (۱۳۷۹)، "درآمدی بر روش تدریس تاریخ"، رشد آموزش تاریخ، شماره ۳، تهران.
  ۲. اولسون، دیوید (۱۳۷۷)، رسانه ها و نمادها، محبوبه مهاجر، سروش، تهران.
  ۳. بومر، فرانکلین لوفان (۱۳۸۲)، جریان های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی، ترجمه حسین بشیریه، مرکز باستان شناسی ایران.
  ۴. درخشان، آزاده، منصوریان، حمیدرضا (۱۳۹۶)، "میراث فرهنگی برای کودکان و نوجوانان (۶ تا ۱۵ سال)"، تهران: نشر جوانه رشد.
  ۵. ذوفن، شهناز، خسرو، لطفی پور (۱۳۷۹)، رسانه های آموزشی برای کلاس درس، چاپ نشر کتاب های درسی ایران، تهران.
  ۶. صرامی، رسول (۱۳۸۲)، "روش تدریس فعال"، کهن روزگار، اصفهان.
  ۷. منصورزاده، یوسف، حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، مبانی موزه داری، تهران: انتشارات سمت و موزه ملی علوم و فناوری.
  ۸. میراشه، زهرا (۱۳۸۲)، "معرفی راهکاری در جهت آموزش باستان شناسی با تاکید بر مشابه سازی فرضی نیایشگاه بندیان"، اثر، شماره ۳۵، صص: ۳۱۵-۳۱۰.
۱. Clarke, P. (۱۹۸۶). "What does archaeology have to offer", In S. Cracknell and M. Corbishley (Eds.). *CBA Research Report No. ۶۴: Presenting Archaeology to Young People*. London, Council for British Archaeology, Pp: ۹-۱۲.



۲. Corbishley, M. (۱۹۹۹). *"Presenting Archaeology to Young People"*. London, Council for British Archaeology.
۱. ERICKSON, Amanda (۲۰۱۱). "Outreach and Education in Archaeology", *Online Journal in Public Archaeology* Volume ۱ - p. ۴۵-۵۴.
۲. Grima, R. (۲۰۰۲). "Archaeology as Encounter". *Archaeological Dialogues*. ۹/۲, ۸۳-۸۹.
۳. Stone, P.G. ۱۹۹۴, introduction: a framework of discussion, Molyneaux, eds, the presented past, London: Routledge, Pp: ۱۵-۲۸.

## **The Role of Applied Archaeology in History Teaching to Children**

**By: Zahra mirashe**

### **Abstract**

To identify, children need to know where they came from, what their past is, and what legacies they left behind. Only with the knowledge of their history can children understand the relationships of the present world, know that today was formed yesterday and learn today to build the future. By recognizing history in its true place, preschoolers can be interested in the subject and encourage them to read history books and actively participate in the acquisition and collection of historical data, linking them to the past and earlier generations held fast. This study seeks to help convey, learn, and attract more and more child audiences to the concepts of history by introducing successful strategies. Applying attractive practical solutions to archeology can be in addition to preserving cultural heritage, familiarizing children with national and ethnic identities, and communicating with the child's audience and historical concepts.

**Keyword:** history, archaeology, education, explore, museum

تاریخ

دانش آموزان در حال آموزش روش کاوش در ترانسه های فرضی (دی ماه ۱۳۹۸، دزفول)



کارشناس در حال آموزش روش کاوش (دی ماه ۱۳۹۸، دزفول)



دانش آموزان در حال کاوش باستان شناسی در ترانسه های فرضی (دی ماه ۱۳۹۸، دزفول)



دانش آموزان در حال مستند نگاری اشیا مکشوفه (دی ماه ۱۳۹۸، دزفول)